

تاریخچه عکاسی ایران در دوره قاجار

محمود معصومی

مدیر گروه عکاسی موسسه آموزش عالی هنر شیراز

چکیده

اختراع دوربین عکاسی حاصل زحمات دانشمندان بسیاری می باشد، از ابن هیثم گرفته تا لئوناردو داوینچی، گالیله، کاردانو، نیوتن، باربارو، رابرت هوگ و رابرت بویل و بسیاری از بزرگان و دانشمندان که نتیجه و ثمره آن ها سرانجام توسط لوئی داگر در ژانویه سال 1839 میلادی اختراع شد. این اختراع نوظهور، توسط ملکه ویکتوریا و تزار روسیه که به محمدشاه قاجار اهدا شد، وارد ایران گشت. ناصرالدین میرزا که آن زمان ولیعهد بود، از ژول ریشار فرانسوی عکاسی را آموخت، او پس از تاجگذاری این هنر را به جد دنبال نمود. ناصرالدین شاه خود از عکاسان چیره دست بود و عکس های فراوانی از خود، دربار، زنانش و وقایع روزگار به یادگار گذاشت. او استودیو عکاسی را به نام عکسخانه همایونی در کاخ گلستان دایر کرد و عکاسان اروپایی را نیز به ایران آورد. در زمان سلطنت وی بود که امیر کبیر دارالفنون را تاسیس کرد و رشته عکاسی در آن تدریس شد. در اواخر سلطنتش عکاسی از دربار فراتر رفت و به میان مردم کوچه و بازار راه یافت و به تدریج استودیوهای عکاسی در شهرهای بزرگ تأسیس شد. توسعه عکاسی در ایران را می توان به پنج دسته بندی اشاره کرد. عکاسان خارجی که در قامت هیات های سیاسی یا نظامی که به ایران آمدند، عکاسان دربار، عکاسان اقلیت مذهبی، دانش آموختگان عکاسی، چه دانش آموختگان دارالفنون و چه دانش آموختگانی که در فرنگ عکاسی آموختند و در ایران مشغول به فعالیت شدند و در نهایت عکاسان بومی که به صورت خودآموز و یا انتقال تجربه عکاسی را فراگرفتند.

واژگان کلیدی: عکاسی - تاریخ عکاسی ایران - ناصرالدین شاه - آقا رضا عکاسباشی - دودمان قاجار

مقدمه

نخستین دوربین‌های عکاسی در حدود سال (1842 میلادی) وارد ایران شدند. یک دوربین کالوتیپ که اهدایی ملکه ویکتوریا به پادشاه ایران، محمدشاه قاجار بود و دوربین دیگری نیز توسط تزار روس و به وسیله نیکولای پاولوف، سفیر روسیه به ایشان تقدیم شد. محمد شاه قاجار که علاقه ای به این اختراع جدید نداشت آنها را توسط ژول ریشار فرانسوی که برای تدریس زبان فرانسه ولی عهد وارد ایران شده بود به ناصرالدین میرزا که در تبریز ساکن بود رسانید. ژول ریشار نیز که آشنایی استفاده از دوربین را داشت و اولین عکاس در ایران می باشد که علم عکاسی را نیز به ولیعهد جوان یاد داد. بدین ترتیب ناصرالدین میرزا نخستین عکاس ایرانی می باشد.

بیان مسئله

عکاسی در چه سالی اختراع و چه زمانی به ایران راه یافت؟ نخستین عکاسان ایرانی چه کسانی بودند؟ چه افرادی در توسعه عکاسی در ایران مشارکت داشتند؟ رویکردهای عکاسان خارجی چه بوده است؟ رویکرد عکاسان دربار چه بوده؟ رویکرد عکاسان ایرانی چه بوده است؟ نخستین عکاس بانو در ایران کیست؟

اهمیت ضرورت

ایران به عنوان یکی از نخستین کشورهایی است که دوربین عکاسی به آن راه یافت. لذا پژوهش درباره این موضوع می تواند از اهمیت برخوردار است. همچنین یکی از موضوعات با اهمیت که خود می تواند پژوهش های جامعه شناسی و روانشناسی را شامل شود، عکاسی دربار و حرمسرای ناصری می باشد. از موضوعات دیگر می توان به سیر و روند عکاسی در توسعه و پیشرفت ایران دانست. همچنین پوشش تصویری تحولات مهمی نظیر مستندنگاری و بومی نگاری، انقلاب مشروطه، جنگ اول جهانی و تحولات اجتماعی و سیاسی.

هدف پژوهش

هدف از این پژوهش آشنا کردن علاقه مندان به عکاسی و تاریخ عکاسی و هنر به این مهم می باشد. همچنین طبقه بندی از عکاسان تاثیر گذار و رویکرد آنها در شکل گیری، توسعه و هدایت عکاسی می توان اشاره کرد. از اهداف دیگر این پژوهش، توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران به واسطه قدرت عکس و عکاسی می باشد.

پیشینه پژوهش

در مورد تاریخچه عکاسی در ایران شوربختانه مطالب و منابع بسیار محدودی موجود است. از منابعی که می توان به آن اشاره نمود کتاب تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان، نوشته شهریار خوانساری می باشد. کتاب ناصر الدین شاه، فراز و فرود استبداد سنتی در ایران نوشته مرحوم داریوش گل گال نیز از منابع دیگری است که می توان به آن اشاره کرد. همچنین مطالبی کوتاه در برخی کتاب های تاریخ عکاسی و مقاله های محدود.

روش تحقیق

پژوهش تاریخچه عکاسی ایران، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی با ابزار اطلاعات کتابخانه ای گردآوری شد و سپس داده های حاصل از این مرحله به روش کیفی با رویکرد تفسیری بر اساس داده های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تاریخچه عکاسی ایران در دوره قاجار

کمی پس از ابداع عکاسی در فرانسه توسط لوئی داگر، این اختراع نوپا وارد ایران شد. نخستین دوربین عکاسی را که یک دوربین کالوتیپ بود توسط ملکه ویکتوریا به سفیر ایران هدیه داد که به دست محمد شاه قاجار رسید و دوماه بعد نیکولای پاولوف^۱، سفیر روسیه یک عدد دوربین داگرئوتیپ را به ناصرالدین خان که در آن زمان ولیعهد بود هدیه داد که نخستین عکس نیز به روایتی توسط این دوربین گرفته شده است. پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه و به سبب علاقه بیش از حد او به عکاسی، امیرکبیر در دارالفنون با آموزش عکاسی موافقت کرد و همچنین پادشاه، عکاسخانه ای نیز در کاخ گلستان ایجاد کرد که به نام عکسخانه همایونی معروف بود. عکاسی پس از چندی از دربار ناصری خارج و توسط خارجی هایی که در هیات نظامی یا دیپلماسی به ایران آمده بودند رواج یافت. به مرور زمان و بر حسب مقتضیات زمانه، به موضوعات و ژانر های عکاسی در ایران اضافه شد. همانطور که ذکر شد اولین عکس ها به شیوه داگرئوتیپ و کالوتیپ در سال 1842 م (1221 ه ش) توسط ژول ریشار^۲ و همچنین نیکولای پاولوف روس از ناصرالدین میرزا (ولیعهد) و خواهرش (عزت الدوله) که بعد ها همسر امیرکبیر شد در تبریز و محمد شاه در تهران گرفته شده است.

لازم به ذکرست که تاریخچه عکاسی در ایران به صورت پنج گروه بندی در این مقاله مورد بررسی و نقد قرار می گیرد که این دسته بندی شامل موارد زیر می باشد:

گروه اول

گروه اول، خارجیانی بودند که در قالب سیاح، تاجر و یا دیپلمات به ایران آمدند. این گروه در عکس هایی که از شرق با خود به اروپا بردند، شرق را به صورت داستان های هزار و یک شب معرفی نمودند. موضوعات مورد علاقه آنها، درویش، مراسم و آئین های سنتی و مذهبی، خواجه های حرمسرا، قلیان کشی و تریاک بود. این عکاسان، شرق را آن گونه که

¹ - Nikolai Pavlov

² - Jules Richard

می خواستند، می دیدند و برایشان متصور نبود که در شرق جامعه آگاه یا فرهنگی هم وجود دارد. هنوز هم بسیاری از هنرمندان غربی، از جمله فیلمسازان، هنگام به تصویر کشیدن شرق، حرمسراها و یا کشیدن تریاک را نمایش می دهند. البته این عکس ها، بخشی از واقعیت موجود در شرق را نشان می دهد و ارزش استنادی خود را دارد، لذا ارزش دیگر آنها این است که مشاهده نماییم دیگران چگونه از ایرانیان عکاسی کرده و ایران را چگونه دیده اند. بیشتر موضوعات این عکاسان، عکس های نظامی، تاریخی و مستند بود. قابل ذکر است عکاسانی که از خارج از ایران وارد شدند بیشتر از سه کشور فرانسه، ایتالیا و آلمان بودند.

گروه فرانسوی

اولین عکاس خارجی که به ایران آمد ژول ریشار فرانسوی بود. وی به روش داگرتیپ^۳ عکاسی می کرد. ژول ریشار که معلم فرانسه ناصرالدین میرزا بود، ابتدا در تبریز ساکن شد و پس از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه، او نیز به تهران آمد و پس از ساخت دارالفنون در آنجا به تدریس زبان فرانسه و عکاسی پرداخت. از آن جهت که کسی در ایران نمی توانست عکاسی کند به دربار فراخوانده شد و مدتی در آنجا عکاسی نمود. ضمناً دو گروه فرانسوی و ایتالیایی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمدند و همراه ایشان عکاسی می کردند. ژول ریشار در خدمت دولت ایران در سلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه بود. او بعد ها مسلمان شد و به نام میرزا رضا خان نامیده شد که لقب خانی از طرف ناصرالدین شاه در اواخر سال 1288 ه.ق به ریشار اعطا گردید. وی در اوایل افتتاح دارالفنون، از معلمین دارالفنون بود و بعد جز کارمندان وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی و مترجم زبان فرانسه و انگلیسی و ... بود. دانا استاین در کتاب سرآغاز عکاسی در ایران، ژول ریشار را نخستین کسی می داند که عکاسی به روش چاپ نقره (نیترات نقره) را در ایران انجام داده است. یحیی ذکاء نیز در یادداشت هایش در ماهنامه عکس، ریشار را نخستین کسی می داند که در ایران به روش داگرتیپ عکس می انداخته است. همچنین غیر از ریشار فرانسوی، گروه دیگری از کشور فرانسه در سال های 1867 تا 1870 میلادی به ایران آمدند که دو عکاس به نام های کاکلیه (کارلیه^۴) و بلوکویل^۵ از جمله اعضا آن بودند. بلوکویل

³ - Daguerreotype

⁴ - Karlie

⁵ - Blockville

که برای عکاسی از هنگ قوای دولتی آمده بود که پس از مدتی به فرانسه بازگشت اما کاکلیه در ایران ماند و در کنار عکاسی به تدریس عکاسی در دارالفنون پرداخت.

گروه ایتالیایی

در سال 1848 میلادی مقارن با سلطنت محمد شاه قاجار، لوئیجی پچه⁶ (بشه) برای مدیریت قوای پیاده نظام به ایران آمد. او که سرهنگی ناپلی بود، دو آلبوم عکس که یکی در موزه متروپولیتن نگهداری می شود، با 75 عکس و دیگری که در کتابخانه مارچیانا در ونیز نگهداری می شود از وی به دست آمده است. گروه ایتالیایی دیگری در سال 1862 در پاسخ هیئت ایرانی به ایتالیا، به ایران آمدند که در میان آنها دو عکاس به نام های لوئیجی مونتابونه⁷ و پترو بون⁸ بودند. سه آلبوم از آثار مونتابونه در ایتالیا شامل 62 قطعه عکس موجود است. شایان ذکر است که در سال 1972 شخصی به نام پیه مونتهزه، تحقیقات خود را درباره این عکاسان در کتاب (آلبوم های عکاسی گروه دیپلماتیک ایتالیایی در ایران) منتشر نموده است.

گروه آلمانی

در سال 1863 میلادی گروه مهندسی خط تلگراف آلمان وارد ایران شدند. هولتسر⁹ عکاس نیز که مهندس تلگراف بود و در سال 1871، سرپرستی دفتر خطوط تلگراف اصفهان را عهده دار شد و به استثناء چند سفر کوتاه و یازده سال اقامت در برلین، در ایران ماند و به سال 1911 بدرود حیات گفت. اهمیت عکاسی هولتسر بدین جهت است که با نگرشی هدفمند، عکاسی می نمود. او تحولی را که در آن سال ها شاهدش بود، به تصویر کشید. موضوع عکس های وی بیشتر آرامنه اصفهان است و بخشی از آنها نیز عکاسی قوم شناسانه از اصفهان است و بخشی از آنها نیز نوعی عکاسی قوم

⁶ - Luigi Pesce

⁷ Luigi Montabone

⁸ - Petro Boone

⁹ - Ernst Hoeltzer

شناسانه از اصفهانی ها محسوب می شد. بعد از مرگ وی خانواده اش به آلمان رفتند و دو صندوق وسایل کاری او را با خود همراه بردند. در سال 1963 به طور اتفاقی آن ها را باز کردند و حدود دو هزار شیشه عکس همراه با یادداشت های روزانه پیدا نمودند. هولستر از فرهنگ عامه و هنر و صنعت اصفهان نیز عکاسی کرده است. وی شخصی بسیار دقیق بود. جنیفر اسکرس، محقق انگلیسی، در سال 1976 مقاله ای همراه با 23 عکس از آثار هولستر چاپ کرد و بر مبنای این مقاله، محمد عاصمی در سال 1356 کتاب، در 113 سال پیش را منتشر کرد.

گروه دوم

گروه دوم، عکاسان دربار بودند که تاثیر پذیر از برخی از عکاسان خارجی و تعلیم در دارالفنون به عکاسی در دربار مشغول شدند. عمده عکس این عکاسان، پرتره هایی از شخصیت ها و شخص شاه، پرتره نگاری، زنان حرمسرا، شکار شاه، منظر طبیعی، مسخره بازی های شاه، مستند نگاری دربار و مکان نگاری بود. این عکاسان که پادشاه، شاهزادگان و خواجه دربار را شامل می شدند شامل افراد زیر می باشند.

ناصرالدین شاه

در سال 1357 ه.ش به همت بدری آتابای، کتابدار وقت کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان، گزیده ای از عکس های موجود در آلبوم ها، که تقریباً حدود چهل هزار عدد است، همراه با مقدمه ای بر تاریخ ورود عکاسی به ایران و یادداشت های شخصی ناصرالدین شاه و فهرستی از آلبوم های عکس مشتمل بر شماره های آلبوم، اندازه آلبوم، تعداد عکس ها و تاریخ آنها (در صورت موجود بودن) در تیراژی بسیار محدود انتشار یافت. در این کتاب از ناصرالدین شاه به عنوان اولین عکاس ایرانی یاد شده است، چرا که بسیاری از عکس های آلبوم ها را او گرفته و یادداشت های حاشیه ی عکس ها به خط شخص ایشان دلیل این مدعاست. لذا در تحقیقاتی که یحی ذکاء و شهریار عدل در سال های بعد انجام دادند و شرح آن گذشت، مشخص گردید که ملک قاسم میرزا، اولین ایرانی است که به روش داگرتوتیپ تصویربرداری کرده و هم او را به روایتی اولین عکاس ایرانی می داند.

بی تردید ناصرالدین شاه را می توان فردی هنر دوست و تا حدی هنرمند دانست. رواج عکاسی در دربار، ناشی از علاقه شدید او به این امر است و نه به معنای آنکه او نخستین عکاس بوده باشد. تدریس عکاسی در دارالفنون نیز بی تاثیر از علاقه شاه به این فن نبوده است. یادداشت های برجای مانده از ناصرالدین شاه حاکی از آن است که او با روش های علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربین های مختلف آشنا بوده است. همچنین فهرستی از دستورالعمل دارو های مختلف شیمیایی و مراحل تدریجی چاپ و ظهور عکس طبق روش های رایج در اروپای آن روز نیز که شامل دستورالعمل های مربوط به روش کولودیون، تهیه کاغذ به روش آلبومین¹⁰، سلات (نیترات نقره) ، سیانوتیپ¹¹ و... است، به خط خود او در کتابخانه ی کاخ گلستان موجود است. توجه و شدت علاقه ی ناصرالدین شاه به عکاسی در حدی بود که در سفر و حضر به عکسبرداری پرداخته و کار دیگر عکاسان همراه را نیز نظارت داشته است. قدیمی ترین عکس هایی که از چهره ی زنان در ایران باقی است مجموعه ی بی بدیل عکس هایی است که ناصرالدین شاه در حرمسرای خود برداشته است . این تصاویر بیشتر با حاشیه نویسی او همراه است، تعدادی نیز شامل عکس های زنان در خلوت خانه و حرمسرا است که ناصرالدین شاه انداخته و در مجموعه بیوات موجود است.

نمونه ای از یاد داشت هایی که شاه ذیل عکس هایش نوشته است شامل: (این عکس را خودم در اندرون انداخته ام) ، (در اندرونی امین اقدس ، ملیجک بغل من است ، شب که خوابید باز نوبه کرد ، میرزا حسنعلی عکاس انداخت) ، (این دو عکس را با اسباب عکس فوری که از فرنگستان خریده بودم هشت شهر شعبان که هشت روز از عید نوروز گذشته است با نهایت کسالت و کج خلقی و بد احوالی انداخته ام)

آقارضا خان عکاس باشی

شاخص ترین عکاس دربار ناصری که شاه به او لقب عکاسباشی را داده است آقا رضاخان اقبال السلطنه است. به گفته دانا استاین، او در دارالفنون عکاسی را آموخته است و بعد از خواجه شدن در دربار شاه عکاسی می کرده است. یحیی ذکاء در یادداشت های خود که در مجله عکس منتشر شد، آقارضا را اولین عکاس حرفه ای ایران می داند و درباره ی او

¹⁰ - Albumin

¹¹ - Cyanotype

می نویسد: او تعداد زیادی عکس به مناسبت های مختلف تهیه کرد که می توان از عکس های نور، کجور، شهرستانک، و فیروزکوه که در سال های 1280 و 1282 ه.ق تهیه شده نام برد. اقبال السلطنه مدت 27 سال به عنوان عکاس در دستگاه سلطنتی مشغول کار بود و در سال 1307 ه.ق در 48 سالگی به مرگ ناگهانی درگذشت.

عبدالله میرزا قاجار و شاگردانش

دیگر عکاس درباری که از آغا رضا متاخر تر ولی پر آوازه تر می باشد، عبدالله میرزا قاجار است. او متولد سال 1266 ه.ق است و پس از طی دوره ای در دارالفنون برای تکمیل عکاسی به فرانسه و سپس به اتریش می رود. عبدالله قاجار در سال 1306 ه.ق مدیر عکاسخانه دارالفنون و در دوره مظفرالدین شاه به ریاست مطبعه شاهنشاهی منسوب می شود. از خدمات برجسته عبدالله میرزا در دارالفنون تربیت شاگردانی است که در عهد مظفرالدین شاه به تدریج عکاسی را به عنوان حرفه در جامعه ایران مطرح کرده اند. یکی از آنان ماشالله خان عکاس است که مجموعه عکس های او در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است. دیگری محمد جعفر خان خادم، پدر مرحوم علی خادم است. گفتنی است که متاسفانه عکاسخانه خادم پس از فوت علی خادم تعطیل و ظاهراً بین ورثه ی آن مرحوم بر سر مالیکت چندین هزار نگاتیو بازمانده از خاندان خادم اختلاف وجود دارد. گفته می شود که آرشیو عکاسخانه خادم غنی ترین مجموعه ی مستند تاریخی شهر تهران را در خود دارد. روسی خان از دیگر شاگردان عبدالله میرزا است که نام اصلی وی ایوانف^{۱۲} بوده است. عکاسخانه او در خیابان علاءالدوله واقع و بسیاری از عکس های رجال دوره مشروطیت موضوع کار اوست. روسی خان پس از خلع محمد علی شاه با وی به اروپا می رود و عکاسخانه اش تا سال 1299 ه.ش توسط مهدی خان مصورالملک که خود نیز عکاس و گراور ساز بوده به کار ادامه می دهد.

از دیگر عکاسانی که در دوره ناصر الدین شاه و مظفرالدین شاه در دارالخلافه به نوعی مطرح بوده اند می توان به این افراد اشاره کرد: حسنعلی عکاسباشی، که در بعضی موارد اسم او را حسینعلی آورده اند میرزا احمد عکاسباشی ملقب به صنیع السلطنه میرزا ابراهیم خان عکاسباشی، پسر میرزا احمد که او عکاسباشی مظفرالدین شاه بوده و اولین دستگاه

فیلمبرداری را در اختیار داشته است همچنین محمد حسن قاجار که در ثبت عکس های وی عبارت (عکاسخانه ی مبارکه نظامی یا دارالخلافه ناصری) به چشم می خورد. میرزا عبدالباقی که از اولین عکاسان دوره ناصری است، عباسعلی بیک که عبارتی (ناظم عکاسخانه مبارکه) را بر عهده داشته و امین حضرت که وی (رئیس اداره عکاسخانه مبارکه) بوده است. به جز عکاسان درباری یک نفر دیگر هم توانسته است از دربار شاه و زن های شاه بدون روسری و تن نیمه عریان عکاسی کند. یک زن خبرنگار و جاسوس انگلیسی بوده است که در نهایت موفق به خارج کردن عکس ها از دربار شاهنشاهی نشده است.

محمد جعفر خادم

نخستین عکاسخانه ای که توانست در شب عکس برداشته و بر آن تبلیغ کند، عکاسخانه محمد جعفر خادم نزدیک به چهارراه حسن آباد بود. (تا آن زمان به جز در روز و نور آفتاب عکس گرفتن مقدور نبود). وی با به کارگیری نور مصنوعی چراغ های الکتریکی توانست در عکاسخانه ی خود امکان عکس برداری در محیط بسته عکاسخانه را در روز و شب فراهم کند. عکسبرداری به این روش به دلیل به کارگیری نیروی الکتریسیته بسیار گران و تقریباً سه برابر قیمت عکس هایی بود که در روز گرفته می شد.

میرزا احمد ملقب به صنیع السلطنه

صنیع السلطنه عکاس ایرانی و مدیر عکاسخانه ی مبارکه دارالفنون بود. در دارالفنون و سپس در اروپا عکاسی آموخت. عکس های بسیاری از او در آلبوم خانه ی کاخ گلستان موجود است. عکس هایش از پرتره، از تسلط او در کادربندی و احاطه اش بر نکات فنی عکاسی نشان دارند. از میرزا احمد رساله ای به خط نستعلیق درباره ی عکاسی بر جا مانده که به ناصرالدین شاه تقدیم شده است و دو نسخه از آن کتاب در کتابخانه ی ملی نگهداری می شود. در نخستین سفر

مظفرالدین شاه به اروپا سال 1337 ه.ق همراه او بود و به فرمان شاه دستگاه سینماتوگرافی^{۱۳}، پروژکتور و ماشین چاپ به ایران آورد. میرزا ابراهیم عکاس باشی، فرزندش و عبدالله میرزا قاجار از شاگردانش بودند. به سبب دانشی که در چاپ و چاپ سنگی داشت، مظفرالدین شاه اداره مطبعه ی خاصه شاهنشاهی را به او و فرزندش سپرد.

نخستین عکاسان زن ایرانی

نخستین عکاسان زن ایرانی را باید در میان زنان حرمسرای ناصرالدین شاه قاجار که خود شیفته ی این فن بود جستجو کرد. در برخی از آلبوم های ناصری که در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است، آثاری از این زنان عکاس که به طور تفننی به عکاسی می پرداخته اند دیده می شود. اما نخستین همسر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه که به صراحت بر عکاسی او اشاره رفته، عزت ملک خانم ملقب به اشرف می باشد. اعتمادالسلطنه در کتاب ارزشمند خود، انطباعات دوران ناصری است، بارها به عکاسی وی اشاره کرده است. از دیگر عکاسان زن ایرانی می توان به زنان خانواده معیر الممالک اشاره کرد که به لحاظ آشنایی معیر و دارا بودن عکاسخانه ای مجهز در منزل شخصی امکان عکسبرداری توسط زنان وی فراهم بوده است. دو تن از زنان دوران ناصری نیز به نام های فاطمه سلطان خانم همسر میرزا حسنعلی عکاس و عذرا خانم همسر آقا یوسف عکاس که از عکاس باشی های شاه بوده اند به عکاسی می پرداخته اند. همسر و دختر آنتوان خان سوربوگین، عکاس نامدار دوران ناصری تا رضا شاه را نیز باید در شمار نخستین زنان عکاس در ایران آورد.

گروه سوم

گروه سوم عکاسان اقلیت مذهبی بودند که دیدگاه آنان نیز به دلیل تفاوت در نوع تربیت و مذهب، به عکاسان خارجی شباهت بسیاری داشت. این گروه از عکاسان به دلیل اینکه در دوره قاجار عکاسی برای مردم عادی تا یک زمانی حرام

13 - Cinematography

و غیر ممکن بود؛ بیشتر آن ها را آرامنه تشکیل می دادند. ضمناً آثار ثبت شده توسط عکاسان اقلیت مذهبی را می توان در سه دسته بررسی کرد:

دسته اول: پرتره رجال سیاسی، بزرگان و شخصیت های برجسته این ایام با دقت و زیبایی به ثبت رسیده است و سبک ها و ژست های نقاشی گونه دارد.

دسته دوم: عکس های مربوط به مجاهدان که با لباس رزم و قطار، فشنگ بر سینه و اسلحه در دست به ثبت رسیده است.

دسته سوم: عکس های مربوط به صحنه های قیام مانند دار زدن، مبارزه، اجساد کشته ها در میدان نبرد و اتفاقات خاص آن دواران است.

به طوری کلی در دوران قاجار اکثر عکس ها به نیت یادگاری گرفته می شد؛ عکاسان کشفیات جدید فنی را برای سرگرمی و بدون هدف مشخصی تجربه می کردند. در این دوره همچون اروپا، عکاسی حول محور پرتره انجام می شد؛ با این تفاوت که در آن دوران عکاس ها سعی می کردند با نقاشان رقابت کنند. پرتره در ایران صرفاً به تقلید از غرب است. از اوایل سلطنت مظفردالدین شاه در 1314 ه. ق، عبدالله میرزا در بالاخانه دارالفنون عکسخانه ای دایر نمود و فن عکاسی را متدوال کرد و بسیاری از عکاس های بعدی از شاگردان وی بودند. این عکسخانه تا اوایل مشروطیت دایر بود.

عکاسی در دوره مشروطیت

با آغاز جنبش مشروطیت مردم تمایل داشتند چهره رهبران خود را مشاهده نمایند. به تدریج ثبت چهره های معروف گسترش یافت؛ با ایجاد تحولات مختلف عکاسی از انحصار دربار خارج شد و موضوعات بعد اجتماعی و واقعی پیدا کرد. تحولات جنبش مشروطیت زمینه برای عکاسی مطبوعاتی را فراهم کرد. پس از انقلاب مشروطه ضرورت عکاسی از وقایع، امری بدیهی می نمود. حتی می بینیم در مواردی ماموران دولت به کارگاه عکاس ها مراجعه می کردند، تا عکسی

از یک زندانی یا سر بریده بگیرند. این امر موید آشکار شدن جنبه سندیت و هویت مستقل عکس بود. این امر باعث شد عکس‌هایی مثل عکس قاتل ناصرالدین شاه و صحنه اعدام او، کاسبکاران مختلف و عکس‌های بسیار دیگر از مردم عادی رواج پیدا کند. همراه با این جنبه‌های مستند، عکس‌های خانوادگی و پرتره شخصی هم در بین مردم عادی رواج یافت. عکاسان این دوره شامل میرزا حسن عکاس باشی، استپان استپانیان، روسی خان، آقا غلامرضا عکاس، میرزا جواد خان، میرزا ابراهیم خان عکاس باشی، آنتوان خان سوربوگین و سید عبدالله شیخ الاسلام امجدالوزاره می‌باشند.

بارون استپانیان^{۱۴}

بارون استپانیان، معروف به بالامجان از عکاسان اوایل دوره‌ی مشروطه در سال 1285 ه.ق در روستایی به نام نورک در حومه شهر ایروان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل وارد آموزشگاه علوم انسانی و مذهبی کلیسا اچمیادزین اوج شد؛ پس از آن برای فراگرفتن فن عکاسی به تفلیس رفت. در سال 1208 ه.ق تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی زمان خود در گروه مسلح گوگانیان درآمد و هنگام گذشتن از مرزداران روس دستگیر و پس از یک محاکمه کوتاه و سریع به حبس ابد با اعمال شاقه در دوره تبعید به علت مسلط بودن به فن عکاسی از سوی هیئتی که در آن هنگام مامور بررسی‌های علمی در جزیره ساخالین بود به کار گماشته شد و همه عکس‌های مورد نیاز آنها را مشخصاً تهیه کرد. مجموعه نفیسی فراهم آورد که همان زمان به زبان روسی تحت عنوان ساخالین به چاپ رسید. استپانیان پس از ده سال تبعید به همراه تنی چند از دوستان خویش از جمله یپریم خان و هوسپمو سسیان با قایقی چوبی و از راه اقیانوس آرام موفق به فرار از این جزیره شده ابتدا به آمریکا رفت و سرانجام از راه باکو در سال 1317 ه.ق به تبریز آمد استپانیان در کوچه پست خانه تبریز اتاقی اجاره کرده عکاسخانه خود را دایر کرده و در مدت زمان بسیار، کوتاهی در کار خود موفقیت شایانی به دست آورد. بعد از چندسال با دوشیزه وارینگاه که از ارامنه‌های تبریز بود ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد و به علت موفقیت در کار عکاسی در اندک زمانی زندگی مرفهی یافت و عکاسخانه‌ی خود را به کوچه قره دام داش تبریز که اکنون به کوچه پشت سینما آسیا معروف است منتقل کرد. وی به

¹⁴ - Stepan Stepanian

دلیل علاقه فراوانی که به آزادی و آزادی خواهان داشت به مجاهدان و مشروطه خواهان پیوست و به همین علت نیز پس از ورود ارتش روسیه تزاری به تبریز، به ناچار با لباس مبدل به شکل قاطرچی همراه خانواده و بعضی از مشروطه خواهان از شهر بیرون رفت و به ارزروم در کشور عثمانی پناهنده می شود و عکاس خانه ی خود را در این شهر دایر کرد. در حال حاضر بیشترین عکس های موجود از دوران جنبش مشروطه، توسط استپانیان انداخته شده وی همچنین به عنوان نخستین عکاس خبری ایران شناخته می شود.

روسی خان

مهدی ایوانف^{۱۵} ملقب به روسی خان، یکی از تکنیسین های عکاسخانه عبدالله میرزای قاجار بود که در تهران عکاس خانه و یکی از اولین سالن های نمایش فیلم را دایر کرده بود. روسی خان یکی از نخستین کسانی بود که به رواج هنر سینما در ایران پرداخت و شاید در این زمینه دارای مهم ترین نقش بود. او پس از میرزا ابراهیم خان عکاس باشی نخستین کسی محسوب می شود که در ایران فیلمبرداری کرده است. لقب روسی خان را محمد علی شاه قاجار به خاطر عکس هایی که ایوانف از نجف و اشراف گرفته بود به او داد. وی مدتی شاگرد عبدالله میرزا قاجاری بود که پس از درگذشت مظفالدین شاه و آغاز سلطنت محمد علی شاه قاجار و کنار رفتن میرزا ابراهیم خان عکاسباشی به ریاست بخش عکاسی دارالفنون (در طبق فوقانی داروخانه شورین) و همچنین مقام عکاسباشی دربار دست یافته بود. روسی خان شخصیت سیاسی بسیار مشکوکی داشت و چون آزادی خواه نبود با دربار و مرتجعان ارتباط برقرار کرده بود. یکی از نزدیکترین دوستانش، پالکونیک لیاخوف^{۱۶}، فرمانده قزاقان بود که معمولاً با صاحب منصبان و سرکرده های خود برای تماشای فیلم به سالن او می رفت. سالن نمایش فیلم او معروف به سالن فاروس میعادگاه اشراف و مرتجعان شده بود. اعضای سفارتخانه های انگلستان و روسیه در تهران، پس از سانس های عادی، در این سالن حضور می یافتند و با پالکوفسکی^{۱۷} (وزیر مختار روسیه) تا دو سه ساعت بعد از نیمه شب، فیلم تماشا می کردند و شامپانی می نوشیدند. ایوانف در ابتدا شاگرد عبدالله میرزای قاجار، رئیس بخش عکاسی دارالفنون، عکاسباشی دربار بود. عکاسخانه مدرسه مبارکه

15 - Mehdi Ivanov

16 - Vladimir Liakhov

17 - Palkovsky

دارالفنون تا اوایل مشروطیت دایر بود و ایوانوف نیز در آن فعال بود. او به خاطر عکس‌هایی که از نجبا و اشراف گرفته بود از طرف محمدعلی شاه ملقب به روسی خان شد و به زودی توانست به کسب و کارش رونق بدهد. روسی خان در سال 1326 ه.ق به روسیه رفت و در ادسا با شرکتی به نام بومر قرارداد بست که شیشه و کاغذ و مقوای عکاسی برایش بفرستند. در فروردین 1286 ه.ش روسی خان عکاسخانه خود را افتتاح کرد و به همین منظور اعلانی مبنی برگشایش عکاسخانه مستقل خود به چاپ رسانید: (اعلان - سرکار روسی خان عکاس معروف بتازگی در اوایل خیابان عالی‌الدوله، روبروی خانه امیر نظام، عکاسخانه بطرز فرنگستان دائر کرده و اقسام عکسهای ممتاز و اعلا در آنجا گرفته می‌شود). بسیاری از عکسهای رجال دوره مشروطیت کار روسی خان است. روسی خان از موقعیت خوبی برخوردار بود تا اینکه آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان به پیروزی رسیدند. محمد علی شاه از ایران گریخت و ایران دچار اغتشاش شد. با اطلاعی که از موقعیت روسی خان داشتند، مغازه اش را تاراج کردند. ولی عکاسخانه او تا 1299 ه.ش باقی ماند و توسط مصورالممالک اداره شد و بعد تعطیل شد. یکی از خاطرات عکاسی روسی خان مطلبی است که حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی به این شرح نقل کرده است: (عباس آقای تبریزی قاتل امین السلطان روزی می‌رود به عکاسخانه میرزای عکاس و عکس برمی‌دارد و به روسی خان شاگرد عبدالله میرزا می‌گوید: این عکس را ارزان نفروش، زیرا طالب زیاد خواهد داشت). پس از انقلاب مشروطه روسی خان به فرانسه مهاجرت کرد و در سال 1346 درگذشت.

آنتوان خان سوریوگین

برجسته‌ترین و پرکارترین عکاس حرفه‌ای ایران در پایان قرن نوزدهم آنتوان خان سوریوگین¹⁸ بود که از اوایل دهه 1260 ه.ش تا دهه اول بعد از کودتای 1299 فعالیت می‌کرد. آنتوان خان در دهه آخر سده سیزدهم ه.ق از قفقاز به ایران آمد و در تبریز عکاس‌خانه‌ی خود را دایر کرد با شهرتی که به دست آورد به درب‌خانه مظفرالدین میرزا راه یافت و در سال 1295 ه.ق کتاب فن عکاسی لیبر از عکاسان مشهور پاریس را به فارسی ترجمه و به ولیعهد تقدیم کرد. هنگامه که مظفرالدین میرزا برای به دست گرفتن قدرت از تبریز به تهران آمد آنتوان خان در التزام رکاب او بود و تا آخرین

18 - Antoin Sevruguin

روزهای سلطنتش وی را همراهی می کرد. آنتوان خان در تهران آتلیه عکاسی خود را در خیابان علاء الدوله (فردوس) جنب در شرقی میدان مشق دایر کرد که بیشتر با استقبال خارجیان همراه شد. روز به توپ بستن مجلس در سال 1326 ه.ق که خانه ظهیرالدوله غارت شد عکاسخانه ی سوربوگین نیز مورد هجوم واقع شد، بخشی از شیشه های نگاتیو او از بین می رود. عکس های آنتوان خان بیشتر یاد آور نقاشی های اروپایی است. نقش نور در پرتره هایی که تهیه کرده مورد اعتناست. او موضوعاتش را در ترکیب و آرایش از پیش تعیین شده قرار می داد که این ترکیب بندی حتی در موضوعات اجتماعی وی نیز نمود پیدا می کرد. او پس از مدتی به عکاسی مستند روی آورد و به اکثر نقاط ایران سفر کرد و از موضوعات مختلف مردم، منظر معماری، اشیاء، رخدادهای سیاسی و اجتماعی و... عکس گرفت او محیط خود را بادیدی همه جانبه تحلیل و تاحد ممکن نزدیک به واقعیت تصویر می کرد برخی از عکس های وی از رویداد های مهم نشان از گرایش وی به عکاسی خبری دارد. بسیاری از عکس های آغازجنبش مشروطه در تهران و بست نشینی در سفارت انگلیس و رخداد های دیگر آن زمان آثار آنتوان خان است. آثار سورگین مبتنی بر دیدگاه های زیبا شناختی عکاسان معاصرش در اروپاست و کمتر قرابتی بین عکس های او و دیگر عکاسان ایرانی دیده می شود. طبق یادداشت های دانا استاین، در سر آغاز عکاسی در ایران بیوه سوربوگین تعداد زیادی از شیشه های سورگین نیز بیش از دویست قطعه عکس او را به هیئت مبلغین کلیسای پرسبیتی آمریکا فروخت که اینک در گالری فریر در موسسه اسمینسوپن در شهر واشنگتن نگهداری می شود. علاوه بر این حدود شصت قطعه عکس آنتوان خان قهوه ای رنگ چاپ شد (توسط شخصی به نام جوزف اپنن در اواخر دهه 1300 هجری شمسی) کمی قبل از اینکه آنتوان کارگاه خود را تعطیل کند، از وی این عکس ها خریداری شده است و در تملک گالری فریر هستند. گالری نام بر در تابستان 1983 میلادی نمایشگاهی از عکس های وی بر پا کرد. او دارای نشان شیر خورشید الماس از دولت ایران است و مدال طلا از نمایشگاه برکسل است.

گروه چهارم

گروه چهارم، گروهی از عکاسان ایرانی بودند که به خارج از کشور سفر کرده و با از خارجیان، عکاسی آموختند و تحت تاثیر ترکیب بندی های عکاسان اروپایی که خود در بند ترکیب بندی های نقاشی وار بودند، قرار گرفتند که البته در

بخش های قبلی به تعدادی از آنها اشاره شد. بسیاری از عکس های این دوره، رنگ و بوی آتلیه های درجه دوم اروپایی را داشت ولی برخی از آنها تحت تاثیر تربیت ایرانی، به ترکیبی از عکاسی اروپایی و فرهنگ ایرانی انجامید. از عکاسان این دوره، دوستی خان معیرالممالک، ملک قاسم میرزا و عبدالله قاجار را می توان نام برد.

ملک قاسم میرزا، پسر بیست و چهارم فتحعلی شاه بود که به فرانسه رفت و عکاسی را در آنجا آموخت. او چند بار به حکومت آذربایجان رسید. آقایان ذکا و شهریار عدل، در تحقیقی که درباره داگرتوتایپ نوشتند، او را نخستین عکاس ایرانی می دانند. خود ناصرالدین شاه تاثیر گرفته از عکاسی به نام ژول ریشار فرانسوی نیز شیفته عکاسی بود و خود، عکاسی می کرد و عکاس خوبی هم بود. بسیاری از عکس های او نیز اقتباسی از عکس های غربی بود. لیکن برخی از عکس هایش موفق هستند. موزه مردم شناسی کاخ گلستان درواقع تاریکخانه وی به شمار می آمد. او در سفرهایش به همراه خود، عکاس می برد و می گوید یکی از کالسکه ها را اتاق تاریک و محل چاپ عکس می کردند تا همان موقع، عکس آماده شود و شاه آن را ببیند. عکاسی جز جدایی ناپذیر دربار او بود و دستور داده بود شهر های ایران را مستند نگاری کنند. عکاسی در دربار او به دو بخش عکاسی درون خانه ای و عکاسی بیرونی تقسیم می شود که اکثرا خودش عکس های اندرونی را تهیه می کرد. در بین عکس ها، عکس های بدن لخت از زنان صیغه ای شاه و مطرب هاست. می گویند این عکس ها را ناصرالدین شاه تحت تاثیر عکس های بدن لخت فرانسوی گرفته است، یکی از آن عکس ها این گونه است: تخت چوبی گوشه حیات و یک قالیچه ترکمن که به دیوار میخ شده و دو گلدان شمعدانی روی زمین و زن لخت به پهلو خوابیده (یک زن چاق و زشت قاجاری).

جالب است بدانیم که تعدادی از این عکس ها را مسئول تاریک خانه ناصرالدین شاه به نام عزیز خواجه مخفیانه به خارج از دربار می برد و می فروشد. جمع آوری چندین هزار شیشه و آلبوم عکس، نتیجه زحمات ناصرالدین شاه است که در کاخ گلستان نگهداری می شود و علیرغم این چند بار مورد تعدی قرار گرفته است (دفعه اول وقتی که حکومت قاجار سرنگون شد، قزاق ها بسیاری از عکس ها و شیشه ها را در حیاط کاخ به زیر پای اسب ها و ارابه ها ریختند و دفعه بعد در دوره رضا شاه نگاتیو های شیشه ای را بلیچ کردند نقره متالیک نگاتیو را از بین می بردند و شیشه ها را به جای شیشه های گل خانه کاخ گلستان مورد استفاده قرار دادند) ، باز هم مجموعه ای بی نظیر از آن دوره است.

گروه پنجم

گروه پنجم، عکاسان بومی که بعد از مشروطیت و در اواخر دوره قاجار و اوایل حکومت پهلوی ظهور پیدا کردند، اغلب ناشناسی بودند که عکاسی را به صورت تجربی و یا از استادان تجربی آموخته بودند و چون پشتوانه تصویری گروه های قبلی را نداشتند، دست به نوآوری زدند. بیشتر عکس های این عکاسان بومی، روایتگری، خدمات آتلیه، مستند نگاری و عکاسی تاریخی بود. در عکس های ایشان برای مثال کودکی را می بینیم که با یک وسیله عجیب آشنا شده و به قول بودلر¹⁹، همچون نارسیس که به تصویر نقره ای خود نگرسته، منجمد شده است و بعد از چند لحظه می خواهد دیگران را بر روی صفحه کاغذی جای دهد. عکس را با روز محشر مقایسه می کند (رساله حشریه) و می خواهد به خود بیاوراند که عکس او تا ابد می ماند و خود، رفتنی است. بی پرواست و شوخ طبع و شوخی های صحنه سازی شده او اوج خلاقیت است. برای او الفبای عکاسی معنی ندارد و ترجیح می دهد الفبای جدید بیافزاید. انگار هیچ موضوعی مهم نیست. می خواهم بگویم موضوعی که برای عکاسی غرب آن زمان خود عکس را تشکیل می دهد، حالا فقط قسمتی از عکس است. پیش زمینه، ترکیب بندی دیکته شده و حتی خود آدمی که از او عکاسی می شود. کاری که گیبسون در سال 1975 انجام داد، حداقل 130 سال قبل تر عکاسی گمنام به آن دل بسته بود. (عکاسی پرتره از پشت سر آدم)، ولی وقتی عکاس ایرانی، در زمانی که هنوز همه می خواستند از صورت خود عکس بگیرند، این گونه عکاسی می کند.

نتیجه گیری

تاریخ عکاسی ایران در دوره قاجار از اهمیت بسیاری برخوردار است. همان طور که ذکر شد، در دودمان قاجار، دوربین عکاسی به ایران راه یافت و این اختراع مدرن هم راستا با جامعه سنتی ایران نبود. لذا شایان ذکر است که این وسیله، سال ها غیر از استفاده در دربار، اجازه استفاده در جامعه را نداشت و همین تعداد تصاویر که از مردم آن زمان برداشت شده توسط عکاسان خارجی گرفته شده است. تهران زمان قاجار از دریاچه دوربین های عکاسان خارجی، مردمی معتاد و مریض که بیکارند و در کوچه ها و خیابان های خاکی و گلی، بافور بدست هستند و یا در سینه کش آفتاب دراز کشده

¹⁹ - Charles Baudelaire

و گاهی پشه هایی که بر رویشان نشسته را پر می زدند و یا در کوچه ها پرسه می زدند. جامعه ای مردسالار که کمتر زنان برقه پوش در آن به چشم می خوردند. تهران، پایتخت ایران که بیشتر به یک روستا شبیه است و اگر بارانی می بارید، تمام شهر شبیه باتلاق می شود. شهری که خود گزمه ها هم بعد از غروب آفتاب در آن امنیت لازم را نداشتند. و این آینه ای است از دریچه دوربین عکاسان خارجی! . عکاسی و عکس های دربار همایونی هم بعد دیگری از دودمان قاجار را به تصویر می کشد. عکاسی از زنان حرمسرا و هشتاد و پنج زن ناصرالدین شاه، بخش عمده ای از عکاسی دربار را تشکیل می دهد که خود پادشاه اکثر آنها را ثبت کرده است. ناصرالدین شاه در طول پنجاه سال سلطنت خویش، آینه ای از دربار همایونی را به وسیله دریچه دوربین بازنما می کند. پادشاهی که به جای سیاست و رسیدگی به رعیت، رسیدگی به حرمسرا را در پیش گرفت. همچنین عکاسی از ملیجک و آدم های کوتوله و علاقه بسیار ایشان به این قشر، شبیه همجنس گرا بودن وی را مطرح می کند. عکاسی شکار، عکاسی از رجال سیاسی، عکاسی از مراسم ها و جشن ها از دیگر رویکرد های عکاسی دربار در این دوره می باشد. البته لازم است به این نکته اشاره شود در دوران ناصرالدین شاه و با همت امیر کبیر، رشته عکاسی از دروس دارالفتون قرار گرفت و اساتیدی نظیر ژول ریشار فرانسوی به تدریس عکاسی پرداختند. پس از ناصرالدین شاه یه دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی، فرم و قالب عکاسی به سمت عکاسی مستند اجتماعی می رود و به واسطه انقلاب مشروطه و مشروطه خواهی، جنس عکس ها، فرم مستندگونه و متمایز دارد. عکس هایی از رهبران مشروطه نظیر ستارخان و باقرخان، درگیری و نبردها، اعدام ها. در اواخر دوره قاجار عکاسی آتلیه ها رواج پیدا کرد و از سویی دیگر، یا شروع جنگ جهانی اول و قطع سالی گسترده ای که در آن دوران همه گیر شده بود و قضیه وبا و آنفلانزای اسپانیایی که متأسفانه تعداد بسیاری از مردم ایران کشته شدند باعث شد از موضوعات عکاسی، شکل و قالب را متفاوتی پیدا کند.



کهنه بازرگان

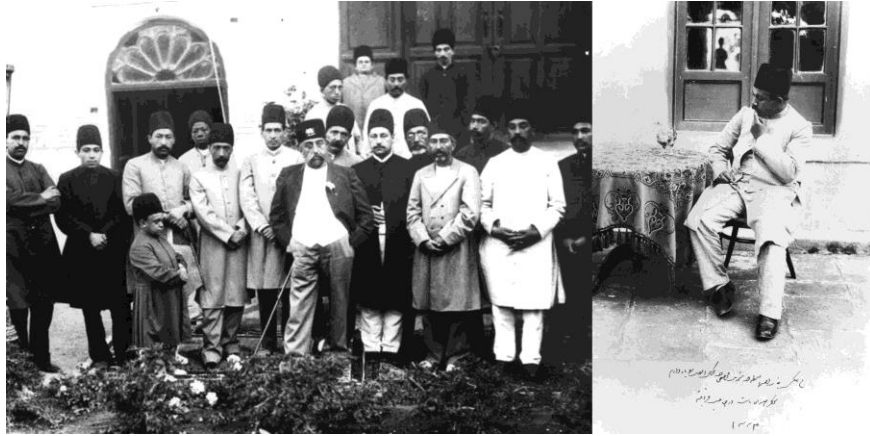


اولاد مشایخ قزاقی بیخ در تبریز قزاق

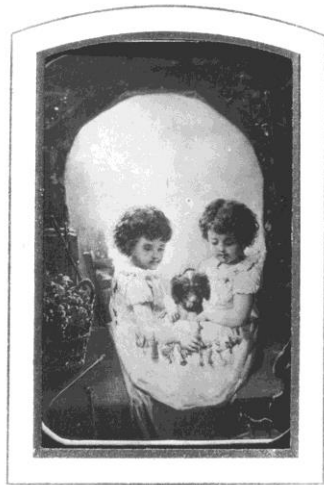


سرتیپان در تبریز که در آن زمان در تبریز بودند







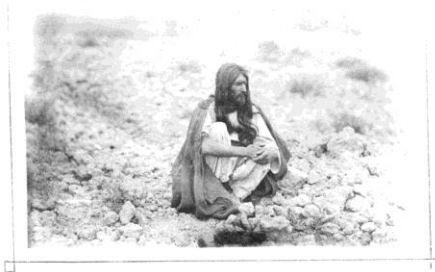


کله تشريح



رديگه داسه تا لړه تشريح هم په تشريحخانه كې د مېرمنې د سر پرېولو د خبرې اشتهالو په وخت كې





فکره پهلوانه بنای کوه بر کوه زری میکلرینان
 بیست و نه روز
 سینه
 پوز

فکره پهلوانه کوه بر کوه زری میکلرینان



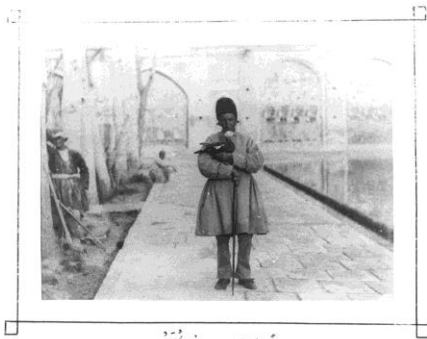
صومالیان در کوهستان
 ۱۳۱۵



عزت‌الله قزوینی در لباس نظامی، تهران، ۱۳۰۳



گروهی از دانشمندان تبریز



آقای میرزا حسن در باغ عمارت



عکاسی از حضور خانۀ مبارک است که در رضا جفرانیه
در روزی که سلطان محمد قاجار در آنجا
سُستله و در آنجا

منابع

- افشار، ایرج- بررسی فنی عکاسی - 1375-نشر علم
- تاسک، پتر - 1402-سیر تحول عکاسی - مترجم محمد ستاری- نشر سمت
- ستاری، محمد- 1385-عکاسی خلاق- نشرعلم
- خوانساری، شهریار- 1385- تاریخ تطبیقی عکاسی ایران و جهان - نشر علم
- دانش پژوه، منوچهر- 1967-سفرنامه تا پخته شود خامی- نشر ثالث
- صادقی، اسماعیل- مقاله عکاسی و عکاسان دوره مشروطه - مرکز تحقیقات علوم اسلامی
- گل گلاب، داریوش- 1368- ناصر الدین شاه فراز و فرود استبداد سنتی در ایران- نشر کتابسرای نیک

The History of Photography in Iran during the Qajar Era

Mahmoud Masoumi

Head of the Photography Department, Shiraz Institute of Higher Education of Art

Abstract

The invention of the camera is the result of the collective efforts of many scientists, ranging from Ibn al-Haytham to Leonardo da Vinci, Galileo, Cardano, Newton, Barbaro, Robert Hooke, and Robert Boyle, among many other great scholars. The ultimate fruit of their endeavors was finally realized with the invention by Louis Daguerre in January 1839. This emerging invention entered Iran through gifts presented to Mohammad Shah Qajar by Queen Victoria and the Tsar of Russia. Nasir al-Din Mirza, who was the crown prince at the time, learned photography from the Frenchman Jules Richer; after his coronation, he continued to pursue this art. Nasir al-Din Shah himself was a master photographer, leaving behind numerous photographs of himself, the royal court, his women, and the contemporary events of his era. He established a photography studio named "Akskhaneh Homayouni" (The Imperial Studio) in the Golestan Palace and also brought European photographers to Iran. It was during his reign that Amir Kabir founded Dar al-Funun, where photography was taught as a formal discipline. Toward the end of his reign, photography expanded beyond the royal court into the streets and marketplaces, leading to the gradual establishment of photography studios in major cities.

The development of photography in Iran can be categorized into five groups: foreign photographers who arrived in Iran as part of political or military delegations; court photographers; photographers from religious minorities; photography graduates—both those from Dar al-Funun and those who studied abroad and practiced in Iran; and finally, local photographers who learned the craft through self-teaching or the transfer of practical experience.

Keywords: Photography, History of Iranian Photography, Nasir al-Din Shah, Agha Reza Akasbash, Qajar Dynasty.

